

ک



ک غیر آخرِ داداش
رفته تو کفش و کفاش
ک در کباب و بابک
آخرِ در آتابک
کتاب کار کودک
هم کوچک است و هم تک

	کَبَاب		اُرُوک
اَکْبَر			
کَبَاب	کِتَاب	اُرُوک	اَکْبَر
اُرُوک	اَکْبَر	کَبَاب	

سرمشق: اَ کرم نَمک در نَمکدان می ریزد. بابک به برادرش کُمک می کند. دیشب که آسمان تاریک بود، او گَبابِ گَم نَمک دُرُست کرد. کامران با سیب زمینی کو کو دُرُست کرد. کاش من اِمروز در کِنارِ دریا با بادبادک بازی می گردَم.

و مثل ر همیشه

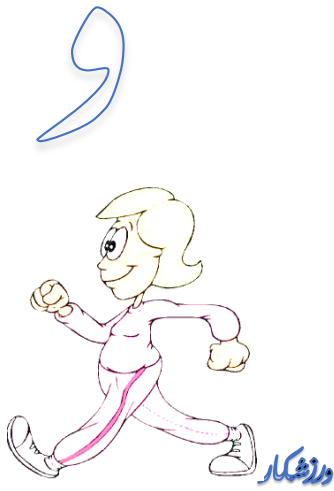
یه جور نوشته میشه

نوار کجاست تو بلوار

ورق تو جیب شلوار

میوه افتاد تو لیوان

گاو پرید روی ایوان



	ورزش		آواز
داور			
ورزش	سوار		داور
آواز		ورزش	

سرمشق: دَوَنده می دَوَد و او یِک وَرزِشکار است. آن زَن باسَواد است و کودکان را وا کَسَن می زَنَد. او زَمانی که سَوار بَر اسب است ، تُنَد می رَوَد. کاهوه نَوَد بار در شِنَا بَرَنده شده است. دیروز سه تا یا گَریم بر روی دیوار بودند.